http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8
تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶
صفحه ۲۳۲-۲۳۵
نوع مقاله: پژوهشی

مطالعه‌ی تطبیقی عناصر و ساختار الگویی طرح بیدمجنون در حوزه‌های شمال غرب ایران و چهارمحال و بختیاری (قرون ۲۰ و ۱۹ میلادی)

محمدعلی اسپنانی (نویسنده‌ی مسئول)
عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد
malonyx33@yahoo.com
پیوند توفیقی، عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان ۱۳۹۹

چکیده

طرح "بیدمجنون" از مشهورترین طرح‌های قالی ایرانی است که در گستره‌ی قالی‌های روستایی جایگاهی ارزنده و درخور توجه دارد. با آن‌که زادگاه دقیقی نمی‌توان برای طرح بیدمجنون معین نمود اما به واسطه‌ی نمونه‌های کهن موجود درحوزه‌ی شمال غرب ایران، خاصه حوزه‌ی بیجار را از اصلی‌ترین پایگاه‌های این طرح می‌دانند. به کارگیری خطوط شکسته، نیمه‌گردان و بهره‌گیری از بافتی متوسط آن را در طیف شناسه‌های قالی‌های روستایی قرار می‌دهد. عناصر اصلی آن نقش‌مایه‌های درخت بیدمجنون، سرو، سپیدار، تبریزی و درختان میوه است. این عناصر در همنشینی‌هایی متعادل و در تناسب با یکدیگر الگویی واگیره‌ای پدید می‌آورند که از اقبال فراوانی در حوزه‌های چهارمحال و بختیاری و شمال غرب ایران و حتی فراتر از مرزهای میهنی برخوردار شده است. مقاله‌ی حاضر به بررسی عناصر و تنوع آن درطرح بیدمجنون ازطریق تحلیل ۲۰ نمونه از نواحی مهم روستایی آن و به انگیزه‌ی چگونگی ترکیب‌بندی و شکل‌گیری ساختار الگویی آن‌ها می‌پردازد . از این‌رو هدف تحقیق جستجوی پاسخ به این سؤال خواهد بود که: ساختار الگویی طرح بیدمجنون چگونه است و نحوه‌ی برخورد نواحی نفوذ طرح با آن به چه صورت بوده است؟ طیف زمانی نمونه‌ها مربوط به اواخر قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی است و جغرافیای مورد مطالعه، شمال غرب ایران (بیجار، بخشایش، ساوجبلاغ و هریس) و استان چهارمحال و بختیاری (فرخشهر، سامان و حاجی‌آباد) است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طرح بیدمجنون دارای ساختاری واحد بوده و در حوزه‌های مطالعه با اعمال انتزاع عناصر و اندک جابه‌جایی آن‌ها تنوع حاصل شده اما ترکیب کلی حفظ شده است. شناسایی شاخصه‌ها و ترکیبات منسجم از مؤلفه‌های مهم در طبقه‌بندی ،گونه‌شناسی و احراز هویت نمونه‌های اصیل فرش‌بافی روستایی است. پژوهش حاضر از نوع تطبیقی با شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی است که در گردآوری اسناد به منابع کتابخانه‌ای و میدانی اتکا شده است.

واژه‌های کلیدی: طرح بیدمجنون، واگیره، ساختارالگویی، فرش‌بافی ایران، قالی‌های روستایی.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

Comparative study of the elements and construction of the patterns of Bid Majnun Design in the north-west of Iran and Chaharmahal & Bakhtiari province (19th and 20th centuries)

Mohammad ali Espanani (Corresponding Author)
Member of Academic Board, Shahrekord University
malonyx33@yahoo.com
Peyvand Tofighi
Member of Academic Board, Shahrekord University

Abstract:

Bid Majnun (weeping willow) motif is one the famous Iranian carpet motifs that has a valuable position among rural ones. Although it seems that there is not a particular region for the creation of this motif, ancient samples have been observed in the north-west areas of Iran especially in Bidjar(Bijar). Such evidence may imply that Bidjar has been the source of this pattern. Using broken and semi-circular lines and the use of medium texture place it in the range of rural carpet identifiers. Basic elements of these rugs are the motifs such as weeping willow, cedar, poplar and fruit trees. These elements in balanced and in proportion to each other create pattern that has great success in the Chaharmahal & Bakhtiari province and the northwestern areas of Iran and even in the other countries. This article attempts to the elements and their diversity in Bid Majnun pattern by analyzing 20 samples from the main local areas and the motivation of how to combine and form their model structure. This research has been conducted by using descriptive statistics based on the comparison of the data. Data collection procedure has been accomplished by using field and library-based studies. As was briefly mentioned before, the results show that Bid Majnun design has a unique structure with a special design in different regions. Meanwhile, a little change in the construction of motifs has caused some variation in the pattern of Bid Majnun.

Keywords: Bid Majnun Pattern, Vagireh, Pattern structure, Iranian carpet weaving, Rural rug

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

مقدمه

طرح بیدمجنون[1] که به طرح بیدمجنونی و طرح زیگلر[2] و در بعضی از موارد به درخت زندگی و درخت حیات[3] شهرت یافته است از مطرح‌ترین و البته در نزد حوزه‌های فرش‌بافی روستایی از اقبال گسترده‌ای برخوردار بوده است. پوپ و آکرمن در کتاب "سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز" از این طرح با نام "درختی گل و گیاهی" یاد نموده است (پوپ و آکرمن، ۱۲۴۱:۱۳۸۷) و در "فرشنامه‌ی ایران" آن را با عنوان "درختی جنگلی" مطرح نموده‌اند (آذرپاد و حشمتی‌رضوی، ۱۲۷:۱۳۸۳). این طرح دارای سوابقی کهن است که قدیمی‌ترین نمونه‌های موجود آن به قرن ۱۸ میلادی و فراگیری و شیوع آن از این زمان به بعد آغاز شده است.

نمونه‌های پرسابقه‌ی آن در ایران به حوزه‌های روستایی کردی و با تمرکز بر بیجار تعلق دارد. به‌نظر می‌رسد همزمان با اقبال گسترده از این طرح، دیگر حوزه‌های روستایی در شمال غرب ایران از آن استقبال نمودند که با حضور شرکت‌های غربی به‌ویژه "زیگلر" شیوع آن روند فزون‌تری یافته است.

سیسیل ادواردز[4] طرح بیدمجنون را جزو ۹ گونه‌ی تقسیم‌بندی طرح‌های قالی ایران آورده و زادگاه طرح را به واسطه نمونه‌های کهن آن به حوزه‌ی کردستان (بیجار) منتسب نموده است. ادواردز این طرح را در رسته‌ی قالی‌های روستایی قرار داد که نمونه‌های فراوانی از آن به تقلید از ایران درکشورهای دیگر تولید شد و هنگامی که فرش‌های اوشاک[5] مرسوم بود، هزاران نمونه از این طرح بافته شد (ادواردز، ۵۸:۱۳۶۸). در تقسیم‌بندی نقشه‌های قالی ایران که به وسیله‌ی شرکت سهامی فرش ایران صورت یافت، به‌نظر می‌آید طرح بیدمجنون را بتوان در رده‌ی طرح‌های درختی، ایلیاتی، شکسته و... قرار داد و بررسی نمود. گستره‌ی جغرافیای طرح بیدمجنون، شمال غرب ایران (بیجار، سنه، هریس، بخشایش، ساوجبلاغ و خاصه نواحی کردنشین) و استان چهارمحال و بختیاری (فرخشهر، سامان، حاجی‌آباد) است (تصاویر۴-۱).

بررسی و مطالعه‌ی کیفیت مطلوب طرح بیدمجنون که استحکام طرح واگیره‌ای را در مدت زمانی مدید (حداقل از قرن ۱۸ م) حفظ نموده و اغلب در نزد حوزه‌های روستایی با اقبال مواجه بوده است، همواره می‌تواند مساعد طرح سؤالاتی باشد که پاسخ آن به روشن‌بخشی گونه‌شناسی طرح‌های درختی و تمایز و استقلال بیدمجنونی ازموارد مشابه یاری رساند. هدف تحقیق حاضر کنکاش در پاسخ به این سؤال خواهد بود که: ساختار الگویی طرح بیدمجنون چگونه است و نحوه‌ی برخورد نواحی نفوذ طرح با آن به چه صورت بوده است؟ از این باب موارد زیر ابعاد مغفول و اهمیت موضوع را پیش خواهد نهاد:

الف) تمایز و تفاوت با طرح‌های مشابه و پرهیز از اختلاط آن با نقش‌مایه‌های بید مجنون: به دلیل به‌کارگیری نقوش گیاهی– درختی در طرح بیدمجنون و تداعی فضای باغ‌گونه، در برخی از موارد طرح بیدمجنون را در رده‌ی طرح‌های باغی شناسایی نموده و در مواردی بهره‌گیری از درختان سرو و بید باعث اطلاق نام درخت زندگی به آن‌ها شده است. ازسویی دیگر در بررسی‌ها "طرح بیدمجنون" را تحت رده‌های درختی قرارداده و بررسی نموده‌اند. دقت در ساختار و چگونگی ترکیب‌بندی این طرح می‌تواند به تفکیک این طرح از انواع مشابه و پرهیز از اختلاط آن با نقش‌مایه‌های بیدمجنون کمک نماید. ب) بررسی و استخراج الگوی ترکیبی از نمونه‌های شاخص طرح‌های اصیل نواحی روستایی: بدیهی است پس از تعیین الگوی ساختاری طرح بیدمجنون می‌توان این روال را در دیگر طرح‌های روستایی برای تعیین شاخصه‌های آن و تفکیک و رده‌بندی آن در حوزه‌های روستایی به‌کارگرفت. ج) نحوه‌ی برخورد و شیوه‌ی رفتاری با الگوهای واحد طرح در حوزه‌های گوناگون: از نکات قابل توجه در طرح بیدمجنون می‌توان به اشتراک در بهره‌برداری از عناصر و نقش‌مایه‌های یکسان در

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

نواحی مختلف اشاره داشت که به تأثیر از مؤلفه‌های گوناگون، می‌توان طیف تنوعی حاصل از طرحی واحد را شاهد بود. د) پیگیری سیرتحول و تطور طرح در سایه‌ی فرهنگ‌های قومی و بومی ق) ایجاد فضای مطالعاتی عمیق‌تر در تحلیل طرح‌ها و نقوش قالی‌های روستایی و عشایری.

تصویر ۱- بخشی از قالی با طرح بید مجنون، کردستان (ساوجبلاغ)، قرن ۱۷ میلادی (Burnes, 2002: 150)

تصویر ۲- قالی با طرح بید مجنون، شمال غرب ایران) (HALLI, 2016: 67)

تصویر ۳- قالی با طرح بید مجنون، کردستان (نگارندگان)

تصویر ۴- قالی با طرح بید مجنون، چهارمحال وبختیاری، حاجی‌آباد (Willborg,2002:244)

■ شیوه‌ی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تطبیقی با شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی است که در گردآوری اسناد از منابع کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. با توجه به سؤال تحقیق که تحلیل ساختار الگویی طرح بیدمجنون را مورد بررسی قرار می‌دهد، کیفیت بصری عناصر طرح و الگوی ساختاری در گزینش نمونه‌ها حساس‌تر بوده و به تبع نمونه‌های اصیل و با هویت مورد توجه بوده‌اند. در تحقیق حاضر از میان تعدد قالی‌ها با طرح بیدمجنونی در دو حوزه‌ی مورد مطالعه، برتری با مواردی است که مربوط به اواخر قرن ۱۹و قرن ۲۰ میلادی است.(۶) در این بازه زمانی (تقریباً"۱۳۰ ساله) به نمونه‌های کهن در دسترس که صحت طرح و پایداری الگو در آن‌ها رعایت شده، اولویت داده شده است. با این‌که گستره‌ی جغرافیای طرح بیدمجنونی در یک‌صدسال اخیر گسترده‌تر از نواحی شیوع آن شده است، ولی دقت در نمونه‌های اصیل، به‌ویژه در سرچشمه‌های آن، برتری اصالت و هویت الگوی آن را فاش می‌نماید. بنابراین گزینش نواحی مورد مطالعه در این پژوهش بر اساس فراوانی و به‌کارگیری طرح بیدمجنون و البته کیفیت برتری است که آن‌ها را از موارد مشابه خود متمایز می‌نماید.

بنا به موارد مذکور در تحقیق فوق۲۰ نمونه از قالی‌های باطرح بیدمجنون از نواحی مهم روستایی آن و به انگیزه‌ی چگونگی ترکیب‌بندی و شکل‌گیری ساختار الگویی آن‌ها گزینش شده است. جغرافیای مورد مطالعه، شمال غرب ایران (بیجار، بخشایش، ساوجبلاغ و هریس) و استان چهارمحال و بختیاری (فرخشهر، سامان و حاجی‌آباد) است. جدول ۱ نمونه‌های دو حوزه‌ی مورد مطالعه تحقیق را ارائه نموده است.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

جدول ۱- نمونه‌های مورد مطالعه طرح بیدمجنون، شمال غرب ایران و چهارمحال و بختیاری

حوزه شمال غرب ایران (۱۰-۱)					
	۱- بیجارقرن ۲۰ م	۲- بیجار ۱۹۰۰ م	۳- بیجار اواخر قرن ۱۹ م	۴- بخشایش ۱۸۹۰ م	۵- بخشایش ۱۹-۲۰ م
	۶- بخشایش (احتمالاً بیجار) ۱۸۹۰ م	۷- ساوجبلاغ ۱۷ ۱۹- م	۸- ساوجبلاغ ۱۹-۱۸ م	۹- کردستان ۲۰ م احتمالاً بیجار))	۱۰- هریس ۱۹۰۰ م
حوزه چهارمحال و بختیاری (۲۰-۱۱)	۱۱- فرخشهر ۱۸۶۰ م	۱۲-فرخشهر ۱۹۳۰ م	۱۳- فرخشهر، زیگلر ۱۸۰۰- ۱۹۱۰ م	۱۴- سامان، زیگلر احتمالا ۲۰ م	۱۵- سامان ۱۹۱۵ م
	۱۶- زیگلر ۱۹۱۰ م	۱۷- حاجی‌آباد ۱۹۲۰- ۱۹۴۰ م	۱۸- حاجی‌آباد ۱۸۹۵ م	۱۹- بختیاری ۱۸۶۰ م (احتمالا فرخشهر یا سامان	۲۰- فرخشهر قرن ۲۰

(تهیه و تنظیم نگارندگان)

پیشینه‌ی موضوع

پژوهش‌های متعددی به نقش‌مایه‌های بید، سرو و دیگر نگاره‌های مرتبط با آن‌ها در حوزه‌های روستایی و عشایری پرداخته شده است. در مقاله‌ی "بررسی نقش‌مایه‌ی درخت بیدمجنون در قالی "نقش خشتی" استان چهارمحال و بختیاری"(صادقیان و مدنی ۱۳۸۸:۸۶-۶۹) نگارندگان، نگاره‌ی بید را به‌عنوان نقشی معتبر در طرح‌های خشتی

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

مطالعه نموده و در نوشتار " بررسی تطبیقی و گونه‌شناسی نقوش فرش‌های خشتی مناطق سامان و چالِشتُر"(قانی و افروغ۱۳۹۱:۳۴-۲۱) و مقاله‌ی "مطالعه‌ی تطبیقی نقوش هندسی- گیاهی مشترک در نقشه‌های خشتی قالی بیرجند و چالشتر"(حسینی و صادقیان ۱۳۹۱:۳۲-۱۵) نویسندگان در تطبیق نمونه‌های مشترک در حوزه‌های رایج نقش موفق بوده‌اند. در طیف مقالات فوق بیدمجنون درمقام نقش‌مایه و دربستر طرح‌های خشتی طرح و بررسی شده وموضوع طرح بیدمجنون مدنظر ایشان نبوده است.

در مقاله‌ی " درخت در فرش بختیاری" (علیمرادی و آشوری ۱۳۸۶:۲۱-۱۱) گونه‌ی درختان به کار رفته درحوزه‌ی بختیاری‌ها ازجمله بید در طرح بیدمجنونی مورد توجه بوده است اما به‌عنوان طرحی مستقل با الگویی متمایز مدنظر قرار نداشته است. گرچه طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها ازگذشته تامعاصر با مضامین گیاه و درخت وخاصه بید را می‌توان جستجو و مورد توجه قرارداد و گویی کم‌تر خلأیی از این باب دیده می‌شود اما کم‌تر صرافتی برای تحلیل ساختار نوعی از طرح با الگویی خاص فراهم آمده است تا از خلال بررسی آن بتوان با تطبیق نمونه‌های نواحی به نحوه‌ی برخورد اقوامی که طرح و الگویی واحد را به کار می‌برند توفیق یافت.

حوزه‌های قالی‌بافی روستایی

قالی روستایی[5] از مهم‌ترین سبک‌های شناخته شده در بین حوزه‌های فرش‌بافی ایران به‌شمار می‌آید. ویژگی‌های این نوع در میان دو سبک شهری و عشایری در نوسان بوده و در پاره‌ای موارد به عنوان سبکی مستقل تثبیت یافته است. در سلسله مراتب معمول در بافته‌های شرقی، دست‌بافت‌های روستایی درمیان تولیدات عشایری وکارگاهی قرار می‌گیرد. طرح‌های روستایی بسیار متنوع هستند و از طرح‌های عشایری و کارگاهی الهام یافته‌اند.(neff&carol v.maggs:1977,14) حوزه‌های شمال غرب ایران (هریس، بخشایش، گراوان، بیجار)، همدان و اراک و چهارمحال و بختیاری از اصلی‌ترین کانون‌های فرش‌بافی روستایی ایران هستند.

هنگامی که از حوزه‌ی شمال غرب ایران در فرش‌بافی یاد می‌شود بی‌شک سبک روستایی جایگاهی ارزنده دارد. بیجار، هریس، بخشایش، گراوان و... از ارزنده‌ترین نواحی فرش‌بافی روستایی قلمداد می‌شوند. ادواردز بافته‌های بیجار را از بافته‌های سه‌گانه‌ی کردی می‌داند و قالی‌بافی بیجار را حرفه‌ای روستایی به‌شمار آورده است.(ادواردز، ۱۳۶۸:۱۴۲و۱۳۶) دست‌بافت‌های بیجار اغلب به استحکام بافت و پیروی از سبک شکسته (شاخه شکسته) در طرح و نقش به شهرت رسیده‌اند. از قرن ۱۸ میلادی که طرح بیدمجنون شیوع پیدا نموده، همواره بیجار از سرچشمه‌های این طرح و البته کهن‌ترین نمونه‌های ارایه شده از بیدمجنون مطرح شده است. در کنار نام بیجار در طرح بیدمجنون، بخشایش و هریس دو حوزه‌ی قدرتمند با تعامل در طرح و نقش هستند. هریس صاحب سبکی خاص در طرح و نقش شکسته بوده که رونق و تثبیت خود در سبک شکسته با تأکید بر طرح‌های لچک وترنج را از اواخر قرن ۱۹ میلادی آغاز نموده است. بیدمجنون‌های این ناحیه از بیجار متمایزتر و به شیوه‌ی هریس به طرح و نقش درآمده‌اند. درهمسایگی هریس، بخشایش با تأثیر و تعامل از هریس درسبک طرح و نقش، پراهمیت‌ترین و با فراوانی بسیار از طرح‌های بیدمجنون استقبال نموده است. به‌نظر می‌رسد سهم بخشایش در تنوع و فراوانی بیدمجنونی‌ها بیش از نواحی دیگر بوده و از قابلیت‌های عناصر طرح بهره‌ی بیشتری برده است.

در ناحیه‌ی چهارمحال و بختیاری طیف وسیعی از نواحی و حوزه‌های بافندگی روستایی مطرح شده‌اند که در دوره‌ی معاصر اغلب به نام شهر، آن‌ها راشناسایی نموده‌اند. پیتر ویلبورگ[6] در کتابش به حدود ۸۰ منطقه‌ی فرش‌بافی درچهارمحال و بختیاری اشاره داشته که اغلب از جهات سبکی به حوزه‌ی روستایی گرایش داشته‌اند. چالشتر، فرخشهر (قهفرخ)، شلمزار، سامان، حاجی‌آباد، بن... . از جمله‌ی مهم‌ترین حوزه‌های روستایی و با تأثیرات

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

عشایری است. در این بین چالشتر از مهم‌ترین قطب‌های صناعات دستی روستایی، اهمیتی قابل‌توجه در فرش‌بافی روستایی به خود اختصاص داده است و با آن که طرح‌های متنوعی را به‌کارگیری نموده اما همواره طرح‌های خشتی و لچک و ترنج آن مطرح بوده وسبک خشتی چالشتری بارزترین نمونه‌ی معاصر آن قلمداد شده است. در این زمینه گرچه می‌توان شاهد نمونه‌هایی از پراکندگی طرح بیدمجنون در چهارمحال وبختیاری بود اما در گستره‌ی حوزه‌های فرش‌بافی این ناحیه کهن‌ترین نمونه‌های قابل اتکا با فراوانی به‌کارگیری طرح بیدمجنون در نواحی سامان، فرخشهر وحاجی‌آباد بیش از نواحی دیگر قابل توجه و مطالعه بوده‌اند.

سامان حوزه‌ای است فرهنگی که درشمال شرقی استان قرارداشته و متأثر از حوزه‌های عشایری بوده است. علاوه براین سامان درطرح و نقش با چالشتر و فرخشهر مرتبط است. تعداد زیادی از طرح‌های موسوم به زیگلر ازجمله بیدمجنون در سامان بافته شده است. ارتباطی که درگذشته سامان و فرخشهر را به هم مرتبط نمود به‌نظر می‌رسد باعث فرضیه‌ی شیوع طرح بیدمجنون (زیگلر) و انتقال به فرخشهر بوده باشد که ویلبورگ از زبان بافنده‌ای نقل ومطرح نموده است (Willborg:2002,205)). اگرچه این مسأله نامعلوم باقی مانده است اما باید توجه داشت که سامان و فرخشهر سهمی اساسی از نمونه‌های بیدمجنون به لحاظ قدمت وتنوع را دارا هستند. کیفیت برتر مواد و تنوع طرح و نقش به همراه تبحر بافندگان این دو ناحیه، استمرار به‌کارگیری الگوهایی هم‌چون بیدمجنون را طی سالیان تضمین نموده است. منطقه‌ی فرخشهر به دلیل همسایگی با اصفهان وهمچنین فعالیت خوانین وکمپانی زیگلر و زیاد بودن بافنده درگذشته دارای تنوع بسیاری بوده است (نکویی،۱۳۷۴:۱۷۷). قالی‌های با کیفیت "بی‌بی‌باف" ازجمله قالی‌های مشهور این حوزه هستند. طرح‌های لچک وترنج، گلدانی، درختی، بته خربزه‌ای، خشتی وحتی ماهی درهم از طرح‌های رایج فرخشهرهستند.

در بین نواحی فرش‌باف، حاجی‌آباد شهرت فرخشهر وسامان را نداشته است و طرح‌های دوترنجی، درختی، سرو و کاج، بیدمجنون و قالیچه‌هایی با کیفیت خرسک را ارائه نموده است. زمانی ارامنه در قالی‌بافی این حوزه فعال وتأثیرگذار بوده‌اند که در طرح و رنگ آن‌ها دیده می‌شود. بیدمجنون‌های حاجی‌آباد مربوط به اواخر قرن ۱۹ و قرن ۲۰ بوده وشباهت‌هایی با نمونه‌های فرخشهر در آن‌ها دیده می‌شود.

درخت؛ اهمیت، گستره‌ی حضور و تنوع آن در طرح بیدمجنون

درخت ازکهن الگوهایی است که در رشد مدام خود حیات، زندگی، بی‌مرگی و تجدید حیات را اشارت می‌نماید. درخت نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی است (هال،۱۳۸۰:۱۲۴) که درتمامی فرهنگ‌ها آن را مقدس شمرده و از این‌رو در اساطیرکهن"درخت مقدس" نیز با همان مفهوم و برابر با درخت زندگی آمده است (مرزبان،۱۳۷۱:۳۰۹). اهمیت درختان هنگامی فراخ‌تر شد که هماره باغ‌ها و بهشت‌های برین با آن پیوندی مستدام و پیوسته پیدا نمودند. درآن هنگام گویی بدون درخت تصویری از بهشت میسر و مصور نشد. قرآن کریم با ذکر "شجر" در موارد متعدد اهمیت درخت را یادآور شده است[۷] از سویی دیگر درقرآن کریم هرجا به بهشت‌های جاوید وعده داده شد، با درخت تصویر شد. از آن جمله درسوره‌ی ابراهیم آیه‌ی ۲۳ (آنان که به خدا ایمان آورده و عمل صالح نمودند دربهشت‌هایی قرارگیرند که از زیر درختانش نهرها جاریست) و سوره‌ی انسان آیه‌ی ۱۴ (و سایه‌ی درختان بهشتی بر سر آن‌ها و میوه‌هایش در دسترس و در اختیار آن‌هاست).

باغ بهشت یکی از اندیشه‌های آرمانی و بنیادینی است که فرهنگ ایرانی را تسخیرکرده است (پوپ واکرمن، ۱۳۸۷:۲۶۱۲). در گستره‌ی هنرهای ایرانی نمونه‌های فاخر فراوانی با این نگرش با الگوهای گیاهی درختی

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

به‌ویژه از عهد ساسانی (منسوجات، فلزات وگچ‌بری‌ها) و پس از آن ساخته و پرداخته شدند که سرچشمه‌ی آثار دوران بعدی را مهیا نموده و از آن میان مضامین باغ شایسته‌تر است. درحوزه‌ی فرش‌بافی حداقل از بخش‌های مستند موجود به‌ویژه قالی‌های به‌جامانده از عهد صفوی چنین بر می‌آید که از الزامات فراهم‌سازی طرح‌های باغی، نگاره‌های گیاهی (درختی) عناصری غیرقابل انفکاک در تصویرسازی باغ‌های بهشتی است. فرش و باغ، آیینه‌های تمام نمایی از فرهنگ و تمدن ایران چه قبل از اسلام و چه پس از آن هستند که در شناسنامه‌ی تاریخ درخشان این مرز و بوم جایگاه خاصی دارند (چیت سازیان، ۱۳۸۸:۱۰۰).

مصورسازی بهشت در فرش‌های باغی[۸] که معمولاً زادگاهی در شمال غرب ایران داشته‌اند، الگوهایی معتبر برای طیف وسیعی از طرح‌ها با نگاره‌های درختی هستند. به‌نظر می‌آید طرح‌های بیدمجنون در این میان گرچه تمام الزامات باغ‌ها وچهارباغ‌ها (درخت و گیاهان، آب و نظام هندسی) را نداشته‌اند اما فرح‌بخشی و سرسبزی و به‌ویژه تداعی فضای باغ‌گونه با چینش خاصی از درختان در الگویی مکرر (واگیره) را فراهم نموده‌اند. درقالی‌های طرح بیدمجنون گونه‌های معینی از بن‌مایه‌های درختی بید، سرو، سپیدار، تبریزی، میوه و درختچه گلدان‌ها به‌کارآمده‌اند که با ترکیبی سامان یافته از آن‌ها به صورت واگیره به یک طرح منسجم با نام بیدمجنون منتهی می‌شود. عملکرد بصری و القای فضایی باغ‌گونه با حضور همگانی این نقوش فراهم می‌آید و نه به صورت منفرد. بنابراین ضروری است این نقوش همگن بوده و منسجم عمل نمایند. بدین نحو می‌توان تغییرات نگاره‌ها در نواحی را با حفظ روح وترکیب کلی طرح مشاهده نمود. در این راستا بدیهی است آگاهی ازنقوش به‌کاررفته در واگیره‌ی بید مجنون درک بهتری از مهیاسازی طرح بیدمجنون را فراهم نماید.:

نقش‌مایه‌ی بید: بن‌مایه‌ی بید از فزون‌ترین نگاره‌هایی است که در اغلب سبک‌های فرش‌بافی دارای حضور وکاربردی متغییر است. درشمال غرب ایران نگاره‌ی بید از معمول نقوش به‌کاررفته در قالی‌های باغی خاصه چهارباغ‌ها به حساب می‌آید. به‌نظر می‌رسد درختانی که در قالی چهارباغی موزه‌ی ویکتوریا آلبرت لندن نقش شده‌اند درختان چنار و بیدی باشند که با درختان منطقه‌ی کردستان هم‌خوانی دارند، حتی بعید به‌نظر نمی‌رسد نام بیجار احتمالاً ترکیبی از دو واژه‌ی بید و زار یا جار باشد (زارعی،۱۳۹۰:۵۶).

در حوزه‌ی قالی‌های روستایی وعشایری چهارمحال وبختیاری نقش‌مایه‌ی بید از فراوان‌ترین نقش‌های مسلط وتقریباً" انفکاک‌ناپذیر، به‌ویژه در طرح‌های خشتی قلمداد می‌شود و نزدیک به ۳۰ نوع خشت بید در حوزه‌ی چهارمحال وبختیاری گزارش شده است که ظریف‌ترین آن‌ها به حوزه‌ی چالشتر متعلق است (صادقیان ومدنی، ۱۳۸۸:۸۱) همنشینی بید معمولاً"با نگاره‌های گیاهی سرو، کاج و... همراه است. همین نقش‌مایه به گونه‌ای گردان در قالی‌های کرمان، اراک، همدان، کاشان به گونه‌ای دیگر خود را نمایان ساخته است.

به‌نظر می‌آید نه کاربرد و نه شکل گسترده‌ی بید در طرح‌ها و نقشه‌های قالی ایران نتوانسته نام این نقش‌مایه را بر نام طرح مسلط سازد. ازسویی دیگر با وجود فراوان‌تر نگاره‌های سرو، تبریزی، سپیدار و درختان میوه در طرح بیدمجنون، حضور وکاربرد نقش‌مایه‌ی بید توانسته نام خود را در طرح بیدمجنون استوار نموده و از دیگر نگاره‌ها دراین طرح پیشی گیرد. در این طرح بن‌مایه‌ی بید در اکثر موارد به گونه‌ای یک طرفه (برخلاف موارد گسترده‌ی همین نگاره درقالی‌های خشتی که معمولاً" دوطرفه است) در یک واگیره به همراه نگاره‌های دیگردرعرض فرش با چپ و راست کردن واگیره به‌کار می‌رود. نیز می‌توان نحوه‌ی فرم و وجود برگ‌ها را معیاری شاخص از نقش‌مایه‌ی بید نواحی فرش‌بافی روستایی تلقی نمود، از جمله؛ برگ‌های یک طرفه برشاخه‌ها درطرح بیدمجنون فرش‌های خشتی چالشتر، شاخص فرش‌های این منطقه است ولی درفرش‌های سامان، برگ‌ها دوطرفه برروی شاخه‌ها قرار گرفته اند (قانی و افروغ،۱۳۹۱:۲۶).

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

نقش‌مایه‌ی سرو: نگاره‌ی سرو از پرپیشینه‌ترین نقش‌مایه‌هایی است که تاریخی به همپایی نقش‌مایه‌ی بته دارد. به واقع در سیر تکاملی و شکل‌یابی بته به حتم سرو اهمیتی دوچندان دارد. پرهام تحول وتطور، ارتباط و تعامل این دو را در مقاله‌ی خویش "ازسرو تا بته"آورده است[۹]. از این‌رو فرم و نحوه‌ی حضور سروها و هم‌زیستی آن با دیگر نگاره‌های گیاهی درخورتوجه هستند.گستره‌ی به‌کار رفته‌ی سروها وبته‌ها در فرش‌های کرمان و تأثیر این‌دو ازیکدیگر از بهترین همنشینی‌های هماهنگ فرم هستد. سروها به همراه بید و کاج ترکیباتی عالی در قالی‌های عشایری وروستایی چهارمحال و بختیاری فراهم ساخته‌اند. در طرح بیدمجنون، فرم و اشکال سروها راست قامت با خطوط شکسته و دریک راستای واحد (عمودی) واقع هستند. شکل و شمایل سروها دراین نوع، همیشه ایستا، در راستای عمودی و هم‌جهت با نگاره‌های دیگر هستند..

درختان سپیدار، تبریزی و میوه: به‌نظر می‌آید درختان سپیدار (درپاره‌ای موارد تبریزی) به استقلال در حوزه‌های فرش‌بافی حضوری نداشته‌اند وتنها با دیگر درختان به‌کار آمده‌اند. در طرح بیدمجنون این‌گونه درخت را معمولاً از شکل برگ‌ها شناسایی نموده‌اند. وجود این نگاره به تنوع درختان افزوده وبه تراکم و انبوهی باغ‌گونه‌ی طرح بیدمجنون کمک نموده است. نقش و کارکرد سپیدار را باید به همراه درختان میوه مطالعه نمود. درختان میوه ازمضامینی است که در رده‌ی قالی‌های درختی می‌توان آن راپیگیری نمود. این نگاره به طور معمول درقالی‌های بیدمجنون به صورت درختان شکوفان به‌کار رفته است. مهم‌ترین کارکرد سپیدارها درطرح بیدمجنون همراهی وترکیب با درختان میوه درساخت ستون‌هایی (سرهم سوار) است که در اغلب طرح‌های بیدمجنون قابل مشاهده‌اند. به‌کارگیری درختان به‌عنوان ستون اکثراً به درختان سرو در دو راستای طولی فرش‌ها در ساختارهای الگویی فرش‌های محرابی واگذار می‌شد اما در طرح‌های بید مجنون درختان سپیدار و میوه با تنه‌های نازک پی خود این وظیفه راعهده‌دار شده‌اند.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان ۱۳۹۹

● درختچه‌ها (درختچه گلدان‌ها)

در تکمیل و پرنمودن فضای باقیمانده از اشغال نقوش درختی آن‌چه مانده از فضاست، به نقوشی درختچه مانند ویا درختچه گلدان متعلق است. سعی شده تا فرم وشکل کلی این نگاره، هم‌خانواده از نگاره‌های حاضر در واگیره بیدمجنون باشد. تعداد آن در هر واگیره بین یک تا سه است ومعمولاً به تبع نگاره‌های بیدمجنون شمال غربی کشیده‌تر رسم می‌شوند. درختچه‌ها معمولاً در دوسوی درختان سپیدار، میوه و شکوفان و برروی بید واقع هستند.

طرح بید مجنون، واگیره و نقوش متن: طرح بیدمجنون از گونه طرح‌های تکراری واگیره‌ای است[۹] واگیره‌ی آن به صورت مستطیلی است که با تکثیرآن در راستای افقی، متن راپوشش می‌دهد. این واگیره ترکیبی ازعناصر گیاهی (درختی) شامل درختان بید، سرو، سپیدار، تبریزی، میوه و درختچه (یا درختچه گلدان)هایی است که معمولاً در جغرافیای طرح بیدمجنون (شمال غرب ایران وچهارمحال و بختیاری) از همین طیف وگونه‌های درختی آن تبعیت می‌شود. تنوع و تفارق گونه‌های طرح بیدمجنون ازطریق: چرخش واگیره در هر ردیف، کم و زیاد کردن با ملاحضه‌ی درختان و در مواردی نادر با بهره‌گیری از نقوش جا پرکن حاصل شده است. هنگامی که آزاد دستی، خیال‌پردازی وذهنی‌بافی بافنده‌ی طراح اندک مجالی برای بروز یافته است می‌توان شاهد دگرگونی عناصر و انتزاع آن‌ها بدون آسیب‌رسی به ساختارکلی طرح را شاهد بود. این امر خاصه در حوزه‌ی چهارمحال و بختیاری با گرایش نواحی روستایی به حوزه‌ی عشایری قابل بررسی است. (تصویر۵) و (جدول-۲) آنالیز تصویری واگیره و عناصر متن طرح بیدمجنون (زیگلر) چهارمحال و بختیاری را ارائه می‌دهد.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

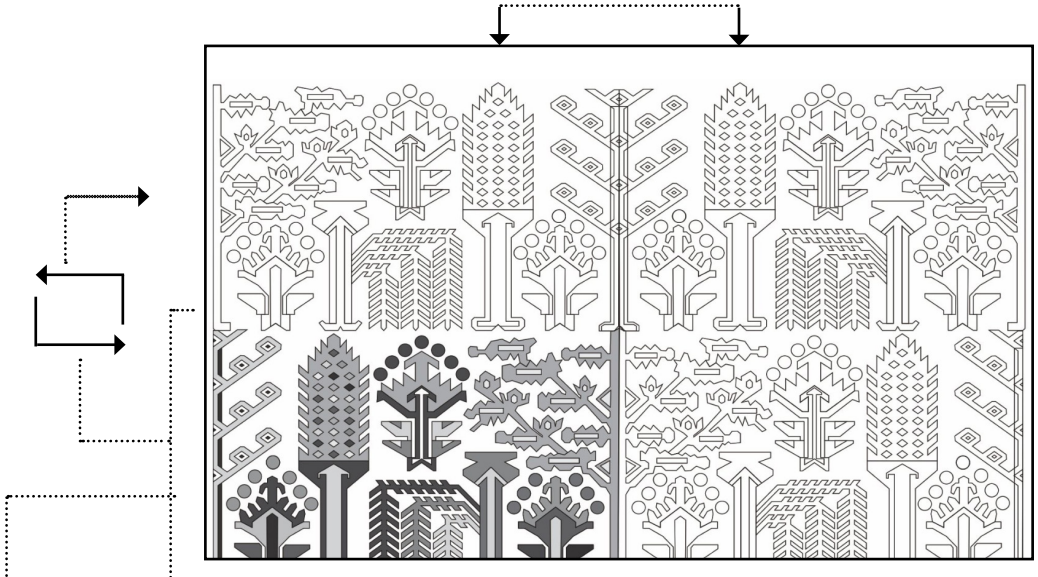

تصویر ۵- واگیره طرح بیدمجنون، زیگلر، چهارمحال و بختیاری (نگارندگان)

جدول ۲- عناصر (نقوش واگیره) طرح بید مجنون، زیگلر، چهارمحال و بختیاری

بید	سرو	سپیدار	میوه	درختچه (درختچه گلدان)

(نگارندگان)

مطالعه و تطبیق نمونه طرح‌های بیدمجنون دردوحوزه‌ی شمال غرب ایران با چهارمحال و بختیاری

درپژوهش حاضر بیست نمونه مطلوب از جامعه‌ی آماری قالی‌های باطرح بیدمجنون ازجغرافیای دوحوزه برای بررسی وتحلیل آن‌ها انتخاب شد. این گزینش براساس اولویت کیفیت بصری و اصالت نقوش فراهم آمد و از این‌رو نمونه‌های شاخص که اغلب آن‌ها قدمت قابل‌توجهی داشته و بعضاً در مجموعه‌ها نگهداری می‌شود از تعداد بسیار گسترده‌ای از این طرح انتخاب شد. دراین راستا سعی وافر شد تا نمونه‌ها بتوانند پوشانندگی لازم در تعیین و هویداسازی مؤلفه‌های نقش، واگیره وترکیبات طرح بیدمجنون را در تفارق و تشابه فراهم سازند. از این جهت موارد زیر در بررسی تطبیقی برروی نمونه‌ها انجام یافته است.:

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

– مطالعه‌ی عناصر متن: شمال غرب ایران (جدول ۳) و چهارمحال و بختیاری (جدول۴) – بررسی هم‌نشینی نقوش (جدول ۵)، واگیره (تصاویر ۶ الف، ب)، ساختار و الگوی ترکیب (تصاویر۷ الف، ب)
– تطبیق نمونه‌ها: نقش، واگیره، ترکیب و ساختار (جدول ۶)

• مطالعه‌ی عناصر (نقوش) متن حوزه‌های شمال غرب ایران و چهارمحال وبختیاری

قریب به اکثریت طرح‌های بیدمجنون با طیف نقوش درختی (بید، سرو، سپیدار، میوه و شکوفان وبعضاً[10] تبریزی) درسبک شکسته[11] به انجام رسیده که فضای مابین آن‌ها را درختچه (درختچه گلدان) پرنموده است. در هر دوحوزه سعی شده با همین طیف نقوش، ترکیبی از واگیره ساخته شود و از به‌کارگیری نقوشی دیگر یا بهره‌گیری از نقش‌های جا پرکن پرهیزشود. در نمونه‌های شمال غرب به‌ویژه بیجار و بخشایش نقوش سروها، سپیدار و درختان میوه نسبت به دیگر حوزه‌ی مورد مطالعه ظریف‌تر وکشیده‌تر هستند (نمونه‌ی ۶ جدول ۳) و در برابر آن‌ها نمونه‌های چهارمحال و بختیاری سروها قطورتر هستند. (نمونه‌های ۲۰ و ۱۸ و ۱۲ و ۱۱جدول ۴) و درختان دیگر جهت هماهنگی کوتاه‌تر شده‌اند. تقریباً در تمام طرح‌های بیدمجنون نقوش سرو و سپیدار حضوری همیشگی دارند و در پاره‌ای ازموارد بدون یکی از این دو کار به سرانجام رسیده است. سوای از آن که می‌توان با تغییر و جابه‌جایی نقوش در این طرح تنوعی ایجاد نمود اما درنمونه‌های چهارمحال و بختیاری خاصه درحوزه‌های عشایری با انتزاع نقوش به تنوع وجذابیت طرح افزوده شده است (نمونه‌ی ۱۹جدول ۴). در جداول ۳ و ۴ نقوش نمونه‌های دوحوزه به تفکیک نواحی نشان داده شده است.

جدول ۳- عناصر و اجزاء طرح بید مجنون در حوزه شمال غرب ایران (بیجار، بخشایش، ساوجبلاغ و هریس)

نمونه	حوزه	درختان				درختچه و درختچه گلدان	ترکیب یا شاخصه ویژه
		درخت بید	درخت سرو	درخت سپیدار	درخت میوه و شکوفان		
۱	بیجار	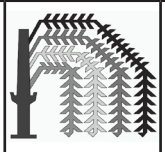				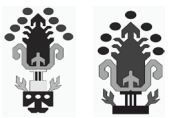	
۲	بیجار	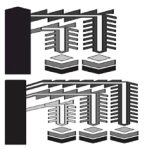	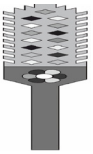		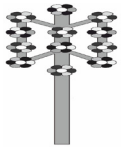		بهره‌گیری از دو نوع بید
۳	بیجار				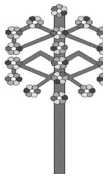		بهره‌گیری از دو نوع بید

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

نمونه	حوزه	درختان				درختچه و درختچه گلدان	ترکیب یا شاخصه ویژه
		درخت بید	درخت سرو	درخت سپیدار	درخت میوه و شکوفان		
۴	بخشایش	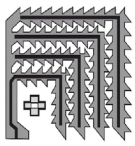		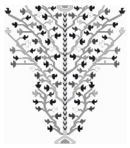			
۵	بخشایش	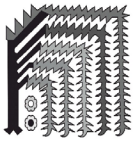					
۶	بخشایش	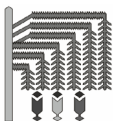					
۷	ساوجبلاغ	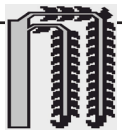			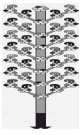		
۸	ساوجبلاغ				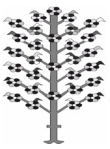		
۹	کردستان	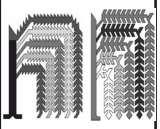			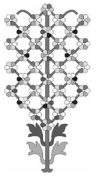		بهره‌گیری از دو نوع بید بهره‌گیری از دو نوع سرو
۱۰	هریس	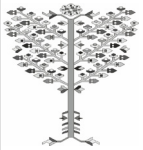		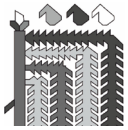			

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

جدول ۱۴- عناصر و اجزاء طرح بید مجنون در حوزه چهارمحال و بختیاری (فرخشهر، سامان و حاجی‌آباد)

نمونه	حوزه	درختان				درختچه و درختچه گلدان	ترکیب یا شاخصه ویژه
		درخت بید	درخت سرو	درخت سپیدار	درخت میوه و شکوفان		
۱۱	فرخشهر						
۱۲	فرخشهر						فاقد درخت بید
۱۳	فرخشهر	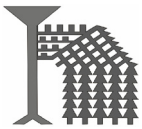	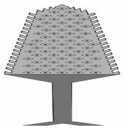			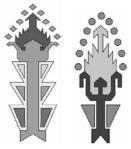	ترکیب بید و سرو
۱۴	سامان	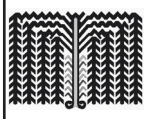			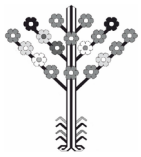		درخت بید دوطرفه تنوع درختچه
۱۵	سامان	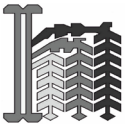					
۱۶	زیگلر (فرخشهر یا سامان)	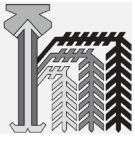			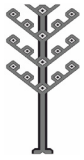		
۱۷	حاجی‌آباد						

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

۱۸	حاجی‌آباد	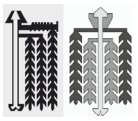	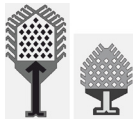	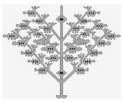	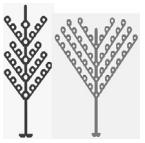	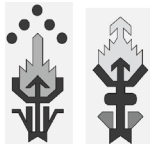	بهره‌گیری از دو نوع بید یک طرفه و دو طرفه
۱۹	بختیاری (نامشخص، احتمالاً فرخشهر	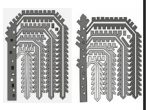	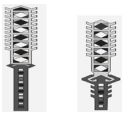				گرایش به انتزاع در ساخت درختان سرو و سپیدار
۲۰	فرخشهر	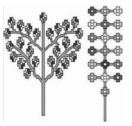	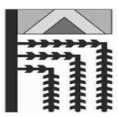				فاقد درخت سپیدار انتزاع در ساخت درختان سرو

● بررسی همنشینی نقوش، واگیره، ساختار والگوی ترکیب

الف) همنشینی نقوش

ازهمنشینی‌های شاخص درطرح بیدمجنون ارتباط و ترکیب نقوش بید و سرواست. ازنمونه‌ها چنین بر می‌آید که بیدها در دوسوی سرو (بخشایش)، یا بر یک سمت آن (بیجار) و درموارد خاص چسبیده یا روییده از آن (فرخشهر) خود را نمایان می‌کنند. نحوه‌ی دیگری از ترکیب این دو نگاره زمانی بروز می‌کند که واگیره‌های ردیف‌ها برروی یکدیگر قرار می‌گیرد. در این وضعیت ستون بیدها برروی سروها در یک راستا واقع می‌شوند (جدول ۵).

جدول ۵- همنشینی‌های شاخص سرو و بید در طرح بید مجنون حوزه‌های شمال غرب و چهارمحال و بختیاری

حوزه	همنشینی‌های سرو و بید				
شمال غرب	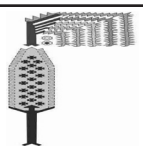	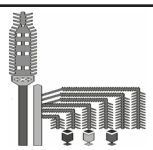	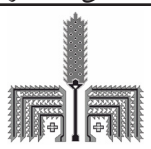	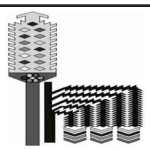	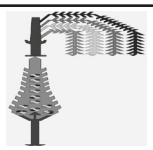
	همنشینی سرو و بید- بخشایش	همنشینی سرو و بید- بیجار	همنشینی سرو و بید- بخشایش	همنشینی سرو و بید- بیجار	همنشینی سرو و بید- بخشایش
چهارمحال و بختیاری	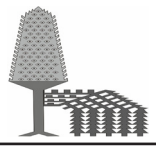	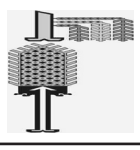	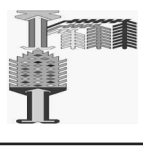	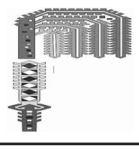	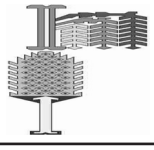
	ترکیب سرو بید- فرخشهر	همنشینی سرو و بید- بختیاری	همنشینی سرو و بید- حاجی‌آباد	همنشینی سرو و بید- زیگلر	همنشینی سرو و بید- سامان

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

ب) واگیره

واگیره‌ها به مثابه واحدهای تکرارشونده در طرح بیدمجنون از آن‌رو حائز اهمیت هستند که پس از تکثیر و گسترش، عرض و طول کلی طرح، محل‌های تقاطع وچفت‌شدگی طرح را هویدا می‌سازند. درتمامی نمونه‌های مورد مطالعه در دوحوزه ازنقوش گیاهی- درختی (جداول ۴ و۳) در هر واحد واگیره (مربع مستطیل) استفاده شده و معمولاً ضلع‌های چپ و راست واگیره‌ی مربع مستطیل درختان سپیدار ومیوه (با تقارن ½) قرار دارند.بقیه‌ی نقوش درختی به صورت کامل درواگیره به‌کار رفته و تنها نقوش بید به صورت یک‌طرفه هستند. درموارد نادر از جمله نمونه‌ی ۱۴ سامان بید دو طرفه است. درپاره‌ای ازواگیره‌ها ازدو نوع بید (نمونه ۱۸ حاجی‌آباد)یا دونوع سرو (نمونه‌ی ۹ کردستان و ۱۸حاجی‌آباد)استفاده شده است. تراکم نقوش در واگیره‌های نمونه‌های چهارمحال و بختیاری نسبت به حوزه‌ی شمال غرب به مراتب بیشتر و در نتیجه فضای خالی کمتری درآن‌ها دیده می‌شود. تصاویر۶ الف، ب مقایسه‌ی واگیره‌ی دوحوزه‌ی شمال غرب (بخشایش) وچهارمحال و بختیاری (فرخشهر) را نشان می‌دهد.

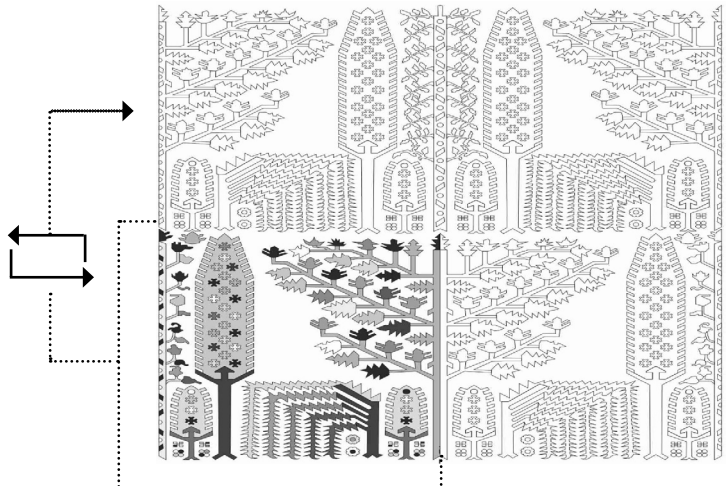

تصویر ۶ الف- واگیره و نحوه گسترش آن در بیدمجنون، شمال غرب ایران (بخشایش)، (Halli Magazine, 2016, n 188, p67)

تصویر ۶ ب- واگیره و نحوه گسترش آن در بیدمجنون، زیگلر، چهارمحال و بختیاری (فرخشهر) (Chahar mahal & bakhtiari , piter)
(willborg, 2002)

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

ج) ساختار و الگوی ترکیب

ساختار و الگوی ترکیبی: طرح بیدمجنون دارای دو الگوی ترکیب در یک ساختار واحد است. طرح بیدمجنون درون خود دو ترکیب را ارائه نموده است: ۱- ترکیب سرهم سوار مستقیم درختان سپیدار، میوه و شکوفان ۲- ترکیب سرهم سوار پیچشی بید و سرو. به طور معمول طرح‌های بید مجنون در هر دو حوزه از این دو ترکیب تبعیت کرده‌اند. تصویر۷ الف و ب، تطبیق نحوه‌ی ترکیب‌بندی سرو و بید به صورت سرهم سوار پیچشی در دو سمت و ترکیب سرهم سوار درختان سپیدار، شکوفان و میوه در میان طرح بیدمجنون را ارائه می‌دهد.

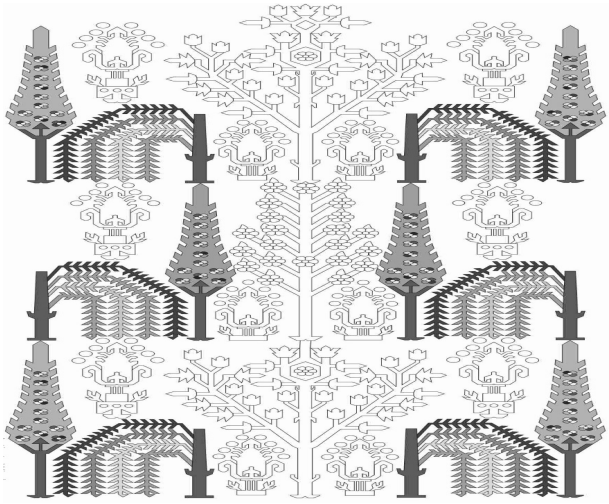

تصویر ۷ الف- ترکیبات بید و سرو به صورت پیچشی و درختان سرهم سوار در میان طرح بید مجنون، شمال غرب ایران (بیجار)

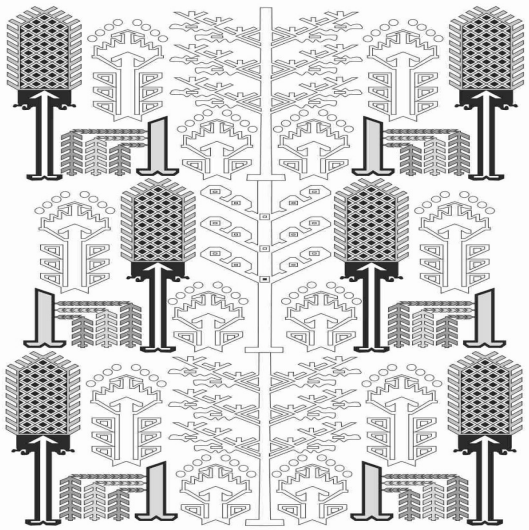

تصویر ۷ ب- ترکیبات بید و سرو به صورت پیچشی و درختان سرهم سوار در میان طرح بید مجنون، چهارمحال و بختیاری (حاجی‌آباد)

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

تطبیق نمونه‌ها: نقش، واگیره، ترکیب و ساختار الگویی

برپایه‌ی اطلاعات به دست آمده ازنمونه‌های دوحوزه، تفارق وتشاب‌هات فرمی عناصر، واگیره والگوی ترکیب آن‌ها در جداول پیشین ارائه شد. اینک موارد فوق درجدول ۶ تطبیق داده شده تا درک بهتری از موضوع حاصل شود.

جدول ۶- تطبیق هم‌نشینی نقوش، واگیره و ساختار الگوی ترکیب، خزه‌های شمال غرب و چهارمحال و بختیاری

حوزه	هم‌نشینی نقوش	واگیره و الگوی ترکیب
شمال غرب	● استفاده از بیدهای یک‌طرفه در کنار سرو (بخشایش)، بر روی سرو (بیجار، بخشایش، کردستان) ● استفاده از بیدها در دو سوی سرو (بخشایش)	● به‌طور معمول نقوش درختان بید، سرو، سپیدار، میوه، شکوفان و درختچه گلدان در واگیره‌های بیجار، بخشایش و نواحی کردستان به‌کار رفته است. ● در پاره‌ای ازموارد واکیره بدون سرو (ساوجبلاغ، هریس) و در مواردی بدون می(بیجار، بخشایش) مشاهده می‌شود. ● درختچه گلدان‌ها در تمام واگیره‌ها حضور داشته‌اند. ● واگیره‌ها در محدوده‌ی کادر مستطیل به صورت قرینه گسترش داده و تکثیر شده‌اند. ● در هر ردیف جهت ایجاد طرح کلی و تنوع آن، واگیره‌ی چرخنده (چپ و راست) است. تعداد واگیره در عرض متن ۲ و به‌طور میانگین ۴ واگیره است (حداکثر تا ۶ واگیره قابل گسترش است). تعداد واگیره در طول وابسته به طول قالی متغیر است. ● ترکیب سرهم سوار مستقیم درختان سپیدار، میوه، شکوفان در راستای عمودی (بیجار، بخشایش، ساوجبلاغ، هریس) ● ترکیب سرهم سوار و پیچشی بید و سرو در راستای عمودی طرح (بیجار، بخشایش)
چهارمحال و بختیاری	● بهره‌گیری از بیدهای یک‌طرفه بر روی سرو (حاجی‌آباد، سامان، فرخشهر، زیگلر) ● ترکیب بیدهای دوطرفه در دو سمت سپیدار (سامان، حاجی‌آباد) ● ترکیب بید و سرو با پایه (تنه) مشترک (فرخشهر)	● نقوش درختان بید، سرو، سپیدار، میوه، شکوفان، درختچه گلدان در واگیره‌های فرخشهر، سامان، حاجی‌آباد به‌کار رفته است. ● در پاره‌ای ازموارد داگیره بدون بید (فرخشهر) و در مواردی بدون درخت شکوفان (حاجی‌آباد، سامان) مشاهده می‌شود. ● درختچه گلدان‌ها در تمام واگیره‌ها حضور داشته‌اند. ● واگیره‌ها در محدوده‌ی کادر مستطیل به‌صورت قرینه گسترش داده و تکثیر شده‌اند. ● در هر ردیف جهت ایجاد طرح کلی و تنوع آن، واگیره‌ی چرخنده (چپ و راست) است. ● تعداد واگیره در عرض متن ۲ و به‌طور میانگین ۴ واگیره است (حداکثر تا ۶ واگیره قابل گسترش است). تعداد واگیره در طول وابسته به طول قالی متغیر است. ● ترکیب سرهم سوار مستقیم درختان سپیدار، میوه، شکوفان در راستای عمودی (حاجی‌آباد، سامان، فرخشهر، زیگلر) ● ترکیب سرهم سوار و پیچشی بید و سرو در راستای عمودی طرح (حاجی‌آباد، سامان، فرخشهر، زیگلر)

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

نتیجه‌گیری

قالی با طرح بیدمجنون مجموعه‌ای از نقوش درختی را در فضایی واگیره‌ای و درترکیبی سامان یافته ارائه می‌دهد که ساختار منحصربه‌فرد طرح در آن منجر به تمایز آن از دیگر طرح‌های مشابه می‌شود. مطالعه‌ی تطبیقی نواحی شیوع طرح بیدمجنون علاوه بر آشکارسازی ساختار و الگوی ترکیبی آن‌ها، رفتار حوزه‌ها با طرحی واحد را نمایان ساخته و انعطاف‌پذیری طرح را نشان می‌دهد. ازتطبیق نمونه‌های دو ناحیه چنین برمی‌آید که عناصر گیاهی آن‌ها همیشه ثابت است و از شکل و فرم خود بیرون نرفته یا هیچ نقشی ناهمگون یاغیرگیاهی در آن‌ها ورود نیافته است. هیچ کدام ازاین دو حوزه از قاعده وترکیب کلی واگیره عدول نکرده و ساخت فضا با حضور و تراکم نقوش کماکان مشابه هم عمل نموده است. درنمونه‌های چهارمحالی تنوعات و آزادی عمل بیشتری به‌ویژه در بن‌مایه‌هایی نظیر سرو و بید که کاربرد فزون‌تری در این ناحیه داشته‌اند قابل مشاهده است. از آن‌جا که نمونه‌های کهن‌تر بیدمجنون به حوزه‌ی شمال غرب (بیجار) بازمی‌گردد به تبع نمونه‌های شمال غرب سعی در پیروی از الگوهای قدیمی ازجمله ظرافت وکشیدگی عناصر قابل مشاهده است.

از بعد ترکیب و ساختار الگویی، طرح بیدمجنون را می‌توان طرحی واگیره‌ای دانست متشکل از عناصرگیاهی- درختی که به صورت افقی در یک ردیف افقی تکرار و با قرارگیری ردیف‌ها بر روی یکدیگر تمام متن قالی پوشش داده می‌شوند. در دو حوزه‌ی مورد مطالعه به تقریب یقین، نوع عناصر یکسان بوده و تکرار واگیره‌ها با اندک اختلاف پیروی شده است. با گسترش واگیره به صورت افقی در نهایت دو ترکیب و الگوی مهم در طرح بیدمجنون قابل تشخیص است: (الف) ترکیب درختان سپیدار، میوه و شکوفان به صورت سرهم سوار عمودی درمیانه‌ی طرح (ب) هم‌نشینی درختان سرو و بید و پدید آمدن الگوی ترکیبی این دو به صورت چرخشی در راستای عمودی. به‌نظر می‌آید این دو ترکیب ساختاری به تقریب یقین دراکثر طرح‌های بیدمجنون ازالگوهای تثبیت شده این طرح و از شناسه‌های آن باشد که در دو حوزه‌ی مورد مطالعه‌ی آن پیروی شده است.

از سویی دیگر، تطبیق نمونه‌های درختان، نحوه‌ی رفتار دو حوزه با فرم واحدی از درختان سرو، بید و سپیدار را آشکار می‌نماید. در نمونه‌های طرح بیدمجنون در بیجار، ساوجبلاغ و اغلب قالی‌هایی با این سبقه درحوزه‌های کردی، عناصر درختی در قیاس با نمونه‌های چهارمحالی ظرافت و کشیدگی بیشتری یافته و به فرم طبیعی خود وفادار مانده‌اند. در نمونه‌های چهارمحالی بیشترین تنوع مدیون دگرگونی و تغییر فرم درختان است که در مواردی خاص از شکل طبیعی درخت خارج شده و به انتزاع نزدیکی بیشتری داشته‌اند. از این‌رو فراوانی طرح‌های بید مجنون در حوزه‌ی چهارمحال و بختیاری با آزاد دستی وگرایش فزون‌تر به انتزاع درقیاس با نمونه‌های کردی، دارای جسارت بیشتری در دگرگون‌سازی طرح هستند. از بعدی دیگر به‌نظر می‌آید دراحیاء و بازسازی طرح‌های بیدمجنون اگرچه می‌توان الگویی واگیره‌ای ارائه داد که پوشاننده‌ی تمام خصایل این طرح باشد، اما در نمونه‌هایی باگرایش‌های بومی عشایری از حوزه‌ی چهارمحال و بختیاری، مؤلفه‌های دست‌بافته‌های عشایری درآن قابل‌ملاحظه خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1- Weeping willow

۲- (Zeigler) کمپانی زیگلر، شرکتی در منچستر انگلستان که ازحدود سال ۱۸۶۰ میلادی از ایران قالی و تریاک صادر می‌کرد. اگرچه قالی‌های صادراتی از تمام نقاط ایران جمع‌آوری می‌شد، ولی قالی‌هایی که درتبریز و سلطان‌آباد تولید می‌شد به نام قالی "زیگلر" معروف شدند. این قالی‌ها دارای طرح مشخص بودند که منطبق با سلیقه بازارغرب بود.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

(the oriental rug lexicon,peter f.Stone,thames and Hudson,1997, p258)

طرح بیدمجنون با عنوان زیگلر (زیقلری) در حوزه‌های روستایی سامان و فرخشهر گسترش و با تغییرات بومی منطقه رواج یافته است.

۳- (tree of life) درخت زندگی، نقشی است دارای سوابقی طولانی که نمونه‌های کهن آن به حوزه‌ی بین‌النهرین بازمی‌گردد. معمولا گیاهی مقدس (هوم) درمیان و حافظان آن در دوطرف به نگهبانی مشغول هستند. درختان سرو، بید و نخل از نقوش مرسوم و یادآور زندگی جاوید هستند. این نقش‌مایه‌ی فراگیر در فرش دست‌باف شرق رواج فراوانی یافته است که در انواع گوناگون طبیعتگرایانه، هندسی و انتزاعی بکاربرده میشود. بطوریکه هرنقش با یک محور طویل عمودی و المان هایی که بطور افقی و یا روبه بالا به آن متصل باشند. در بسیاری ازموارد گلدان ها یا شبه گلدانها جایگزینی برای درخت زندگی شده اند .

۴- (Arthur Cecil Edwards (1881 – 1953 or 1957 آرتور سیسیل ادواردز، تاجر انگلیسی و از مدیران شرکت تولیدکنندگان قالی شرقی (ocm)بود .درمدت اقامتش در ایران (۱۳۰۲-۱۲۹۰شمسی) باسفر به حوزه‌های فرش‌بافی ایران، کتاب"قالی ایران" را تألیف نمود که ازکتاب‌های مرجع فرش‌بافی در اوایل قرن بیستم به‌شمار می‌آید.

۵- (Ushak) اوشاک از مهم‌ترین نواحی فرش‌بافی ترکیه است که روگرفت‌هایی از طرح بیدمجنون ارائه داده است. ادواردز درکتاب قالی ایران از نواحی شیوع طرح بیدمجنون چنین گزارش می‌دهد: " طرح‌هایی که با خطوط شکسته بافته می‌شود برای قالی‌های مرغوب مناسب نیست، زیرا قالی‌ای که این‌گونه بافته می‌شود خیلی سخت وخشک از کار درمی‌آید. به این جهت طرح بیدمجنون درکرمان و اصفهان وکاشان و قم و حتی مشهد ناشناخته است درمقابل، این طرح برای قالی‌های نوع متوسط و درشت بافت بسیارمناسب است. به این جهت هنگامی که قالی اوشاک (ترکیه) معمول و مرسوم بود هزاران تخته قالی با این طرح دراین ناحیه تهیه شد." (قالی ایران، سیسیل ادواردز، مهین دخت صبا، تهران، چاپ اول، انجمن دوستداران کتاب، ص۵۸)

۶- با آن که اغلب منابع قرن ۱۸ را آغاز شیوع و گسترش طرح بیدمجنون می‌دانند اما نوادر نمونه‌هایی با هویت الگویی مربوط به قرون ۱۸-۱۷ قابل مشاهده هستند که به تقریب می‌توان آن‌ها را اصلی برای بیدمجنونی‌های پس از این تاریخ قلمداد نمود. ازجمله نمونه‌های ۸ و۷ (جداول ۳ و ۱) مربوط به حوزه‌ی معتبر این طرح یعنی ساوجبلاغ می‌تواند به درک بهتر رو گرفت‌ها و تکامل بیدمجنونی‌های قرون ۲۰ و ۱۹ در حوزه‌ی شمال غرب به‌ویژه در قیاس عناصر و ترکیب‌بندی کمک رساند. قاعدتاً" وجود دو نمونه‌ی فوق در راستای تکمیل زنجیره‌ی منشاء و تکمیل طرح بیدمجنونی صورت یافته و به فهم آن قوام می‌بخشد.

7- Village rugs

۸- Willborg Peter، پیتر ویلبورگ، محقق سرشناس سوِیدی و از برترین فرش‌شناسان حوزه‌ی اروپای شمالی است. کتاب Chahar mahal va Bakhtiari, village, workshop & nomadic rugs of western Persia از برترین آثار ویلبورگ و مرجعی معتبر درحوزه‌ی دست‌بافت‌های روستایی و عشایری چهارمحال و بختیاری است که در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است.

۹ - از آن جمله شجره ممنوعه درزندگی حضرت آدم، سوره‌ی بقره آیه‌ی ۳۵، درخت و پیامبری موسی (ع)، سوره‌ی قصص آیه‌ی۳۰، درخت نخل و حضرت مریم (ع)، سوره‌ی مریم آیه‌ی ۲۵، داستان حضرت یونس، سوره‌ی صافات آیه‌ی ۱۴۹ و بیعت رسول اکرم (ص) با مسلمانان زیر درخت حدیبیه درسوره‌ی فتح آیه‌ی ۱۸ ازموارد قابل‌توجه اهمیت درخت درحوزه‌ی فرهنگ اسلامی است.

۱۰- فرش‌های باغی (Garden carpet) قدیمی‌ترین نمونه‌های این فرش‌ها مربوط به قرن ۱۷ میلادی (یازدهم ه.ش) است که معرف باغ‌های صفویه است. طرح‌های باغی قدیم بسیار متنوع هستند، ولی مجموعه‌ای از این طرح‌ها با روند یکسان و ثابت درحدود سال ۱۸۸۰میلادی (۱۲۰۰ ه.ش) درکردستان بافته می‌شدند. (فرهنگ فرش دست‌باف، سیدجلال‌الدین بصام، بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، تهران ۱۳۹۲، ص۱۱۳.)

فرش‌های باغی دارای بخش بندی‌هایی است که منجر به ایجاد جوی‌ها وآب‌راه‌هاست، بعضاً دارای ماهیان و پرندگان و دراکثر آن‌ها درختان متنوع از جمله بید، سرو، کاج به‌کار رفته است. تقسیمات هندسی این‌گونه از فرش‌ها، قالی‌های مشهور چهارباغی را ارائه داده‌اند. از جمله مقالات مطلوب در حوزه‌ی فرش‌های باغی و باغ‌های بهشتی موارد زیر قابل توجه هستند:

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

۱-بازشـــناسی پردیـــس در بستر نمادگرایانه‌ی معماری و فرش ایران، امیرحسین چیت‌سازیان- فصلنامه‌ی علمی پژوهشی- گلجام، بهار۱۳۸۸- ش۱۲. ۲- بازتاب نقش چهارباغ در قالی‌های باغی در غرب ایران با تأکید بر نمونه‌هایی از استان کردستان، دکتر محمد ابراهیم زارعی، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی- گلجام ۱۳۹۰- ش ۱۹. ۳- بهشت موعود در فرش ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی فرش ایران، فضل‌اله حشمتی رضوی، مرکزتوسعه صادرات ایران، تهران ،۱۳۷۴.

۱۱- مقاله‌ی ازسروتابته، سیروس پرهام، مجله‌ی نشردانش، زمستان ۱۳۷۸، شماره‌ی ۹۴، ص ۳۹-۴۲

۱۲- در فرش واگیره (vagireh) با (Weaver,s Square) شناخته می‌شود و بعضاً از اورنک (ornak) و دستور به جای آن استفاده شده است. نقش واگیره، نقش یک چهارم،کوچک‌ترین واحد طراحی فرش است که براساس آن کل طرح فرش اجرا می‌شود. دربسیاری ازطرح‌های قالی، یک چهارم قالی طرح کل قالی را دارد و بر اساس قرینه کردن آن بخش، طرح کل قالی بافته می‌شود. برای طرح‌های واگیره‌ای، نقش پایه به مراتب کوچک‌تراست (the oriental rug lexicon,peter f.Stone,thames and Hudson,1997,p248).

واگیره (Contour) کوچک‌ترین واحد قابل تکرار در طرح است که با گسترش وتکثیر آن به صور مختلف (قرینه، استامپی و...) یک طرح کلی راسامان می‌دهد. سوای از طرح‌های لچک ترنج (یک چهارم)، طرح‌های ماهی درهم (هراتی)، میناخانی، بندی و قابی ازجمله شناخته شده‌ترین طرح‌های واگیره‌ای هستند.

۱۳- بنا به الزام حوزه‌های فرش‌بافی، خطوط نقش‌ها و نگاره‌ها در سبک‌های شهری گردان، سبک روستایی نیمه گردان وشکسته و در سبک عشایری شکسته است. درسبک‌های روستایی عنوان شکسته یا شاخه شکسته عنوانی معمول است که با عنوان هندسی که دارای نظامی خاص است متفاوت ومتمایز است.به‌طور مثال، قالی‌های هریس در رده‌ی روستایی شاخه شکسته وترکمن در سبک هندسی قابل مطالعه هستند. در بسیاری ازموارد سبک‌های روستایی به دلیل گرایش به سبک‌های هم‌جوار عشایری وبعضاً شهری در نام‌گذاری سبک در نوسان هستند.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

فهرست منابع

- ادواردز، سیسیل.(۱۳۶۸). *قالی ایران* (ترجمه‌ی مهین‌دخت صبا).تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- بصام، سیدجلال الدین. (۱۳۹۲). *فرهنگ فرش دست‌باف .تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران.*
- پوپ، *آرتوراپهام، فیلیس آکرمن. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز* (ترجمه‌ی سیروس پرهام و گروه مترجمان). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). بازشـــناسی پردیـــس در بستر نمادگرایانه‌ی معماری و فرش ایران . *فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی گلجام*، ۱۲،۱۲۲-۹۹.
- زارعی، محمدابراهیم. (۱۳۹۰). بازتاب نقش چهارباغ در قالی‌های باغی در غرب ایران با تأکید بر نمونه‌هایی از استان کردستان، *فصلنامه علمی - پژوهشی گلجام*، ۱۹، ۵۹-۴۳.
- صادقیان، حمید و لیلا مدنی. (۱۳۸۸). بررسی نقش‌مایه‌ی درخت بیـــد مجنون در قـــالی نقش خشتی استان چهارمحال و بخـــتیاری، *فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی گلجام*، ۱۲،۸۶-۶۹ .
- قانی، افسانه و محمد افروغ. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی و گونه‌شناسی نقوش فرش‌های خشتی مناطق سامان و چالِشتُر (با تأکید بر خشت‌های درخت سرو، کاج و بید مجنون)، *نشریه‌ی مطالعات هنر اسلامی*، ۱۶،۳۴-۲۱.
- قرآن کریم.
- مرزبان، پرویز و حبیب معروف. (۱۳۷۱) .*فرهنگ مصورهنرهای تجسمی*. تهران: سروش.

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]

– نکویی اصفهانی، محسن. (۱۳۷۴). *مطالعات جامع فرش دست‌باف، معرفی و مقایسه‌ی طرح‌های گردان وشکسته‌ی (استان چهارمحال وبختیاری)*. (حلد ۲). سازمان جهادسازندگی استان چهارمحال وبختیاری.
– هال،جیمز. (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب* (ترجمه‌ی رقیه بهزادی) .تهران: فرهنگ معاصر.
– یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر واشارات داستانی درادبیات فارسی*. تهران: سروش.

منابع تصویری

الف) منابع فارسی

– صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۹۲). از آبی آسمان وسرخی دشت، فرش چهارمحال وبختیاری ، تهران: آفتاب اندیشه.
– مجموعه‌ی حیدریان، چهارمحال وبختیاری.
– مطالعه‌ی میدانی حوزه‌ی فرخشهر، سامان، بازارفرش اصفهان و تهران.
– آنالیز وتحلیل تمامی تصاویر، تدوین وساماندهی جداول به وسیله‌ی نگارندگان صورت یافته است.

ب)منابع لاتین

-Burnes, James.(2002). Antique rugs of kurdistane, Published by the author.
-Halli magazine.(2016).n188.
- Stone, Peter F.(1997). The oriental rug Lexicon, London: Thames and Hudson Ltd.
- Willborg, Peter.(2002),Chahar mahal va Bakhtiari, village, workshop & nomadic rugs of western Persia , Stockholm: J.P.WILLBORG AB .
- www.azerbaijanrugs.com
-www.claremont Rug Company.com

[Downloaded from icsa.ir on 2025-07-03]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.7.8]